

## بر خیز ای داغ لعنت خورده!

شیردل

بپا خیزید ای گردان بی کران کار، بپا خیزید ای معماران و سازندگان جهان نو، که سالروز پیکار شما باز آمده است. روز پیمان برای رزم و اتحاد است که فراسوی مرزها، از بالای حصارهای رنگ، پوست و قومیت باز آمده است و با کلام آتشین و بانگ بلند از دل کارخانه، در تنگی کارگاه فریاد می زند، که از دستان پینه بسته و بازوان پر قدرت پوست که نان، تمدن و آشایش آماده و از دسترنج تو غنی می گردد این استثمارگر سرمایه دار.

از آغازین نبرد تو در قیام خونین کمون جان گرفت اندیشه حکومت کارگری و پر بها آموزشی بود برای مارکس و انگلس آن رهبران پرولتاریا.

از اکتبر سرخ با دانائی و برایت نین و با عزم پولادین استالین بر پا گشت سوسیالیسم و مائو رهبر خلق چین، در مارش بزرگ 24 ساله رهانید چین را از ستم فئودالیسم و امپریالیسم و بر پا گشت حکومت جمهوری خلق چین.



# جشن اول ماه مه (11 اردیبهشت) را به نمایش پر قدرت اتحاد کارگران در مقابل سرمایه داران

## تبدیل کنیم

### رفقای کارگر

دروود و تبریک بی پایان ما را به خاطر اول ماه مه ( 11 اردیبهشت) که روز اتحاد و همبستگی کارگران در سراسر جهان است بپذیرید.

چه با شکوه، چه کوبنده و چه امید آفرین است همبستگی و اتحاد کارگران در این روز تاریخی ، روز جشن کارگران. روزی که میلیون ها کارگر و زحمتکش ، در سراسر جهان به خیابان می آیند .

اول ماه مه روز پیکار جهان کار در مقابل جهان پوسیده سرمایه داریست . جهانی که با بحران عظیم اقتصادی و اجتماعی خود دست به گریبان است .

27 سال از عمر رژیم رژیم سرمایه داری در ایران گذشته و 26 سال است و رژیم فاشیستی مذهبی قدرت سیاسی را در دست دارد. در طول حاکمیت این رژیم هر روزه وضعیت زندگی کارگران بدتر و پر تعداد بیکاران افزایش می یابد. حقوق و دستمزد کارگران در مقابل تورم اقتصادی، رشد گرانی هزینه زندگی و مسکن رو به پائین است. در سال گذشته ما شاهد اخراج بسیاری از کارگران از کارخانه بودیم. حقوق نه پرداخته شده کارگران و تعطیلی کارخانه ، مبارزات گسترش یافته آنان اعتصابات بسیاری را سازمان داده و با بستن جاده و بزرگ راه ها، تظاهرات اعتراضی بر پا نمودند نشان از مبارزه این طبقه برای کسب حقوق اجتماعی خود می باشد .

سال گذشته طبقه کارگر تلاش نمود تا زنجیرهای وابستگی به خانه کارگر و انجمن های اسلامی کار رها گردد و برای خواست حقوق صنفی خود مبارزه علنی همراه با اعتصابات شروع نمود. از آن میان مبارزات کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی را می توان نام برد که برای سندیکای مستقل خود دست به اعتصاب زدند .



کارگران زیادی از کارخانه ها ایران فراخوان تشکیل یک اتحادیه سرتاسری کارگری در ایران را با لیست امضای اعلام نمودند. سال گذشته سال بزرگ و مهمی در مبارزات طبقه کار گرایران بود.

خواست طبقه کارگر است که به صورت آزاد و با فراخوان مستقل خود به خیابان آید. ولی سالهای طولانی است که ترور و کشتار پلیس ، پاسداران برای برهم زدن تجمع کارگران در روز اول ماه مه به اجرا در می آید . ارتجاع مذهبی ایران از نام کارگر و اندیشه انقلابی او وحشت دارد و همیشه تظاهرات اول ماه مه به خون کشیده می شود. حال امسال هم بدینگونه خواهد بود. حال تروریستهای دولتی در زیر فرمان رهبر کوشش می کنند با شعار " وحدت ملی" بر علیه آمریکا، مبارزه حق طلبانه طبقه کارگر ایران را در روز اول ماه مه برای کسب حقوق اجتماعی خود از بین به برند و از آنان می خواهند که: آماده شوید برای گوشت جلوی توپ ما. زیرا جنگی که ما آنرا فرا می خوانیم ، نیاز به شما دارد. پس باید تمام خواستهای طبقاتی خود را فراموش کنید و روز اول ماه مه با تکبیر در زیر پرچم سازمانهای "کارگری" وابسته به ما چون خانه کارگر به خیابان آید.

ولیکن طبقه کارگر ایران تحت تاثیر شانتهای طبقه سرمایه دار در ایران واقع نخواهد شد و در روز دو شنبه تجمعات بسیاری که مستقل می باشند، چه علنی و غیر علنی تشکیل خواهد شد.



## رفقای کارگر

طبقه کارگر ایران نه تنها خواست اجتماعی برای بدست آوردن حقوق خود دارد، بلکه تنها طبقه است که می تواند به تمام ستم های طبقاتی پایان دهد . تشکیل اتحادیه کارگری برای قانون کار مترقی که شامل: کار 8 ساعت، بالا بردن دستمزد ها، داشتن بیمه درمانی و بازنشستگی، داشتن حق مرخصی، جلوگیری از کار کودکان و بانوان باردار، ایجاد شیرخواه گاه و مهد کودک برای زنان کارگر، تشکیل کلوب های کارگری، ورزشگاه ها و میادین ورزشی برای پرورش جسم کارگران ، ایجاد کتابخانه ها برای کارگران در منطقه صنعتی، حفاظت ایمنی در محیط کار، ایجاد مسکن و فروشگاه های تعاونی کارگری و معاف بودن خانواده های کارگری از پرداخت هزینه تحصیلی و دانشگاهی و ایجاد امکانات خواست برای فرستادن فرزندان طبقه کارگر به دانشگاه ، ایجاد محل های شغل و غیره بخشی از تلاش او می باشد ولی در زیر حاکمیت رژیم سرمایه داری نمی توان از بهبودی وضع زندگی کارگران صحبت نمود و به تمام خواستهای بالا رسید. حال این وظیفه طبقه کارگر است که خود برای گرفتن اهرم قدرت تلاش نماید. بدین خاطر نیاز به حزب طبقه خود که حزب کمونیست است دارد ، تا حکومت سوسیالیستی را بر پا نماید ، و برای رسیدن به آن خواست بزرگ پیوستن کارگران ایران به حزب سیاسی که مستقل از احزاب بورژوازی است و مبارزه خود را بر علیه تمام جریانات رفرمیستی و رویزیونیستی فراموش نه کند.

وظایف حزب طبقه کارگر دفاع از منافع ملی در مقابل استعمارگران و توطئه ایادی آنان در داخل است.

هدف ما دفاع از سرزمین خود و حق تعیین و تکلیف سرنوشت خلقها بدست خود می باشد. بدین خاطر باید به تمام توطئه های امپریالیست آمریکا برای حمله نظامی به ایران را خنثی نماید و باید

سیاستی را دنبال نماید که جنبش ضد جنگ را تقویت نموده و جلوی جنگ خانمان سوز و ویرانگر را گرفت، ولی نباید مشوق شانتاژ های امپریالیست آمریکا شد تا مردم ایران برده و فرمانبر بوش و شرکای آدم کش او گردند.

وظایف بزرگ حزب طبقه کارگر در مقطع کنونی در هم شکستن تمام فریب های جنایتکاران ، مزدوران و ایادی امپریالیسم آمریکا است که تحت نام رفرا ند م چی ها (فاشیستهای سلطنت طلب، جبهه ملی، مشروطه چی، اکثریت خائن، فداییان خلق، ملی مذهبی هاو ...) در داخل و خارج از کشور تبلیغات انجام می دهند. امروز داریوش همایون آن سگ هار سازمان سیا که به نام احمد چلبی ایران نام گرفته شده، با دریافت مبلغ 85 میلیون دلار به کار جمع و جور کردن اپوزیسیون آمریکایی مشغول است. این مزدوران خود را آماده نموده اند که از بی ثباتی طبقه حاکمه و عدم امکان حضور فعال حزب طبقه کارگر ایران در صحنه سیاسی، نقش ستون پنجمی خود را برای قبولاندن به مردم ایران برای حمله نظامی آمریکا است انجام دهند و از تمام امکانات تبلیغاتی رسانه ای از طریق تلویزیونهای مزدور لوس آنجلسی بهره دارند . این جنجال های تبلیغاتی جنگ سرد نقش آینده و فعال این مزدوران را در داخل ایران فراهم می کند. بدین خاطر افشای چهره مزدور آنان یک وظیفه ملی برای جلوگیری از جنگ است.

برگشت کامل مردم از رژیم جمهوری در پایان دولت خاتمی به صورت روشن دیده می شد. معیار های پوچ و بی ارزش جامعه سرمایه داری ، اعتیاد به مواد مخدر، فرهنگ مصرف و مد پرستی برای کالا (لباس، اتومبیل، آرایش مو، تشریفات، تجملات ، تزئینات ، ...) آرمانهای نسلهای جدید طبقه حاکم و مرفح بوده و فرهنگ حاکم در جمهوری اسلامی شد و برای آن تبلیغات وسیعی انجام می دهند.

طبقه کارگر، زحمتکشان شهر و ده و خرده بورژوازی شهری فقیر شده فرصتی برای شنیدن این تبلیغات نداشته و به حل مشکل نان و پرداخت اجاره عقب مانده مشغول می باشند و اسلام ناب محمدی بنیادگرایان جمهوری اسلامی و شعارهای پوچ آنان در در روی تابلوها ی تبلیغاتی نفرت بیشتر مردم را بر می انگیزد.

بدین خاطر برای حفظ نظام ارتجاعی بعد از بررسی رهبر و سران مرتجع نظام در مشهد، به دنبال یک آلترناتیو قشری و مرتج در میان مزدوران نظام بودند، که احمدی نژاد در مقابل دیگر نوچه های ، مانند پاسدار قالیباف و لاریجانی ، سر از صندوق رای بیرون آورد. این رئیس جمهور قشری برای فرار از بحران فراگیر در جامعه که فقر، بیکاری میلیونی، اعتیاد و خود فروشی می باشد ، در سفرهای متعدد دست به روضه خوانی و سینه زنی زد . و بدین گونه تاریخ عمر نظام پوشالی را تمدید کند و پس از آن سودای جدال بر سر غنی شدن اورانیوم ، فرصت مناسبی بود برای گریز های بعدی ، دعوا و جدال ظاهری با امپریالیست آمریکا و صهیونیستهای اسرائیلی شروع گشت و احمدی نژاد به نفی کردن جنایات فاشیستهای آلمانی که 5 میلیون یهودی را در کوره های آدم سوزی سوزاندند پرداخت و خواهان پاک کردن کشور اسرائیل بر روی نقشه جغرافیایی شد و ادامه این رجزخوانی ها بهترین فرصت امکانات را از طریق طی مراحل مختلف (قطع نامه در شورای امنیت برای محکومیت ایران ، محاصره اقتصادی و حمله نظامی) به آمریکا می دهد که برای توجیح حمله در آینده به ایران بتواند برا حتی استفاده کند.

تمام تلاش نیروهای هوادار طبقه کارگر و تمام میهن پرستان ایرانی بر این پایه است ، که نیرنگ های امپریالیست آمریکا و مزدوران بومی آنها که رفرا ند م چی ها **(اتحاد ارغوانی مرتجعین و مزدوران امپریالیسم آمریکا)** می باشد در هم شکند.

رفقای کارگر

ما امروز که در سالگرد روز اول ماه مه قرار گرفته ایم ، لازم دانستیم که علاوه بر تعهد خود به این طبقه جهانی وظایف ملی خود را شناخته و به دنبال انجام وظایف خود رویم و بدین خاطر این وظایف عاجل و ضروری را در پائین نام آورده ایم.

وظیفه حزب طبقه کارگر ، مبارزه طبقاتی، دفاع از حقوق کارگران ، زحمتکشان ،تمام خلقهای ایران و دفاع برای برابری اجتماعی حقوق زنان می باشد. حزب طبقه کارگر باید تمام خلقهای ایران را در زیر پرچم خود گرد آورد.

تمام تلاشهای حزب طبقه کارگر مرکز اتحاد میان مردم است . این کاری آسان نیست. بلکه تمام تلاشهای شبانه روزی تشکیلات حزب طبقه است که در داخل ایران فعالیت نماید و در زندگی، کار و تلاش مردم شرکت کند. در پس این تلاشها می باشد که حزب می تواند در میان مردم محبوبیت بدست آورد . برای رسیدن به این هدف مقدس ، انتخاب تاکتیکهای درست ، شعارهای خود را ضروری است.

حزب طبقه کارگر باید کار خود را در داخل ایران به صورت وسیع گسترش داده و تمام نیروی خود را در داخل کشور تمرکز نماید. کار سیاسی در میان کارگران و خانواده های کارگری، کار سیاسی در میان دهقانان، فعالیتهای سیاسی در میان دانش آموزان و دانشجویان و کارمندان . ایجاد سازمانهای مخفی صنفی با هسته های کوچک خود. گسترش سازمان زنان و ایجاد کمیته های محلی آن برای خدمت به آنان و مبارزه بر علیه نابرابری حقوق اجتماعی زنان بخشی از وظایف است. **ایجاد بازوی نظامی و شاخه آن و تشکیل گاردهای مسلح کارگران، دهقان، دانشجویان ضروری است. حزب نیاز به ارتش و قوای مسلح خود دارد.**

حزب طبقه کارگر باید از همین آغاز هسته های یک دولت کارگری را در میان کارگران و زحمتکشان ایجاد نموده و به توده های کار نشان دهد که ساختمان دولت آینده ایران بدست شما و آموزش آن در میان کادر ها و هواداران حزب آغاز شده است.

### رفقای کارگر

لکن لازم دیدیم به خاطر یادبود این روز بزرگ ، بیشتر به بحران سرمایه داری و پیامد های آن پرداخته و توضیح دهیم و فرصت بسیار مناسب رسیده است و نباید از دست داد.

بحران علاج ناپذیر سرمایه داری که همراه با میلیتاریزه کردن سرمایه در سطح جهان و قمار بورس بازان که روزانه بیش از 5 هزار میلیارد دلار سرمایه از این طریق ارزش بیهوده داده شده و به نقاط مختلف جهان انتقال می یابد.

بحران ادواری سرمایه به بحران نابود کننده سیستم سرمایه داری تبدیل شده است. اضافه تولید و انباشت آن ، بیکاری فزاینده و از دست رفتن قدرت خرید که حاصل گردابی است که سرمایه داری راه فراری از آن ندارد و جهان را به پرتگاه جنگ جهانی کشانده است. گشودن اجباری بازار ها در کشورهای تحت ستم و همچنین دستیابی به منابع انرژی راه های تجدید عمر مجدد است . گشودن بازار ها به نابودی صنایع داخلی و به ورشکستگی کشورها می انجامد که تحت نام بازار جهانی معروف گشته است. **تصاحب سرمایه های دولتی** قرار داد بستن پیمان «گت» را به آن کشورها دیکته می کند. دولت تمام مؤ سسات و کارخانجات و شرکت های دولتی را به بخش خصوصی می سپارد. همان سیاستی که از آغاز آمدن رفسنجانی و تشکیل دولت او شروع و ادامه آن با شدت بیشتری در زمان احمدی نجات انجام می گیرد . دادن وام از طریق بانک جهانی با بهره های بسیار بالا، کمک مالی به شرکتهای فراملیتی برای پروژه های صنعتی کشاورزی می باشد .

ورشکستگی آرژانین، برزیل، ترکیه و بسیاری دیگر از کشور های سرمایه داری نشان از گرفتن این قروض و پرداخت آن به ورشکستگی اقتصادی این کشور ها تبدیل شده است. برای مثال کافی است که بدهکاری بیش از 350 میلیارد دلار برزیل را توجه کرد و تمام بدهکاری کشور های تحت غارت سرمایه داری بین المللی به رغم 2000 میلیارد دلار رسیده است.

مردم بسیاری در کشورهای تحت ستم در پنج قاره ، لخت ، گرسنه و آواره راه فرار از فقر و جنگ را جسته و به مهاجرت میروند و هزاران کیلومتر راه طی ، تا خود را پشت دژ اروپا، استرالیا و آمریکای شمالی برسانند و عاقبت در زندان بزرگ که به نام بازداشتگاه ها معروف است محبوس و زندگی آنان نابود می شود. قتل مهاجرین با انواع وسایل از طریق ترور، شکنجه ، آتش زدن خانه آنها و قتل در هواپیما در هنگام اخراج ، کار روزمره و عادی تبعیض گران در دنیای "متمدن" سرمایه داری شده است.

امپریالیست آمریکا - انگلستان و هم پیمانان ناتو در هر دو سال یکبار به کشوری تجاوز کرده و یا خود غیر مستقیم در جنگ های ایجاد نموده شرکت می کنند. تجاوز نظامی به عراق و کشتار مردم عراق توسط امپریالیسم آمریکا در دونوبت ، بمباران پی در پی و 12 سال محاصره اقتصادی ، کشتار مردم یوکسلاوی و کشتار مردم افغانستان و همچنین تجاوز نظامی اسرائیل صیهونیست به خلق فلسطین و کشتار آنان نمونه های بسیاری از آن است.

لکن این جنایات باعث خوشحالی ارتجاع سرمایه داری و احزاب سوسیال دموکراسی مانند حزب کمونیست کارگری می شود و امیدآنان است که بهشت تمدن جهان سرمایه داری تحت نام غرب در آنجا ایجاد گردد. ولی همه می دانند هر کجا امپریالیسم پای گشته است ، فقر، بینوایی ، گرسنگی، غارت ثروت طبیعی و ایجاد پایگاه نظامی و حکومت ترور و آدم کشی بوده است و بوسیله چماقداران ناتو در زیر پرچم سازمان ملل متحد انجام میگیرد. تجاوز به دختران، گسترش فحشاء پخش و فروش مواد مخدر(برای نمونه سازمان سیا در قاره آمریکای مانند کلمبیا بزرگترین کارتل پخش مواد مخدر می باشد.)، برپایی حکومت مزدور و وابسته که برای منافع امپریالیست بر سر قدرت گذاشته می شوند کار آنها می باشد.

سرنوشت آزادی خلق های یوکسلاوی ، افغانستان، عراق ، ایران ، ترکیه ، به دست خلق های آن کشور در مبارزه ضد امپریالیستی و مبارزه طبقاتی برای انقلاب سوسیالیستی بوده ، نه در دست امپریالیسم آمریکا و امپریالیست های اروپایی . این کار بر عهده نیروهای انقلابی در رأس آن احزاب راستین کونیستی می باشد . این کار بزرگ برای رهائی از قید امپریالیست و الیگارشویی بومی ، در دست احزاب رویونیستی مانند حزب تود و احزاب رفرمیستی سوسیال دموکراسی مانند حزب کمونیست کارگری انجام نمی گیرد. آن ها به دنبال امپریالیست ها، به عنوان دلان سیاسی در میان طبقه سرمایه داری وابسته برنامه وابستگی ایران و دیگر کشور ها را بعد از تعویض قدرت در بالا ها در دست دارند و بدین خاطر است که با کیف های چمدانی به دنبال دریافت کمک از احزاب سرمایه داری سند فروش خیانت به منافع مردم کشور ما را امضاء می کنند. به يك باره صاحب ایستگاه رادیویی و تلویزیونی شده ، با هواپیما برای برگزاری سمینار و میتینگ و خونمانی در مقابل اربان امپریالیست از این کشور به آن کشور رهسپار می شوند. هر چند که از لحاظ کمی بیش از صد نفر نبوده و توان پرداختن مخارج عظیم را ندارند!!!

دوران ترقند های 50 ساله سرمایه داری که برای استثمار توسط احزاب خود فروخته بورژوازی که از احزاب محافظه کار، لیبرال ، سوسیال دموکراسی، سوسیالیست و احزاب رویونیستی نوع توده ای تشکیل می شود به پایان رسیده است . در این مدت پولاریسم سرمایه داری و دموکراسی آن در خدمت وضع قوانین برای منافع سرمایه داری انحصاری بوده است . میلیارد ها دلار از مالیات دریافت شده از مردم در اروپا ، ژاپن ، آمریکاتحت نام دفاع از «اقتصاد ملی»! و موقعیت ملی بر

حلقوم شرکت های فراملیتی ریخته ، تا از طریق اتوماسیون و کابرد روبرتر در تولید میلیون ها کارگر بیکار گردیده اند و کارخانه بسیاری از شرکت های چند ملیتی ، روانه هنگ کنگ ، مکزیک ، برزیل ... گردیده ، تا در آنجا از مزد کارگران زده و از پرداخت بیمه عمر و سلامتی خود داری و از بند قوانین نیم بند در باره محیط زیست در کشور های متروپل خود رها گردند. بند های جهانی شدن و مصوبات اجرائی آن، باعث نابودی بسیاری از مؤسسات و کارخانه جات دولتی و سپردن آن به دست بخش خصوصی بوده است. و از این طریق میلیون ها کارگر، زحمتکش و کارمند و مزدبگیر بیکار گردیده اند.

اروپای غربی و آمریکای شمالی مرکز تمرکز تمام ثروت های جهان است و در دست یک گروه کوچک مولتی میلیاردر تملک یافته و کسی اجازه ندارد که بداند آن همه انباشت ارزش اضافه که از غارت ، استعمار و استثمار از کشورهای دور و نزدیک در پنج قاره است ، در کدام کشور و در کدام بانک و کدام شماره حساب به یقما رفته است . 150 ملیون انسان که کارگران و زحمتکشان و خانواده های آنان را در اروپای «رفاه اجتماعی» تشکیل میدهند ، در زیر خط فقر می باشند. ما دیگر از اروپای شرق و اروپای جنوبی که چنگال خونین سرمایه داری انحصاری بر آنان چنگ انداخت و یک شبه آنان را به خاک سیاه نشانند صحبت نمی کنیم. ما صحبت از جهان "متمدن" اروپای غربی و آمریکا شمالی می کنیم . آری توده بیکار و نیمه برهنه کشور های مادر صنعتی از فریب احزاب خود فروش و رنگارنگ ، مرتشد ، دزد و رشوه خوار به تنگ آمده اند. میلیون ها دلار صرف شو های انتخاباتی در رسانه ها و تبلیغات بروی تابلو های آگهی تجاری و روزنامه پرداخته میشود و هزینه آنرا سرمایه انحصاری به احزاب مزدور طرفدار پولاریسم ، دمکرات و مدافع مدنیت می پردازد. این مردم جانشان از وعده و قول های سرخرمن آنان به تنگ آمده و عده قلیلی به پای صندوق های رای می روند. تنها به آمار انتخابات در انگلستان توجه کنید. مجموعه رای ریخته شده در صندوق انتخابات 49% مردم واجد انتخاب بوده است . در آلمان ، در انتخابات کشوری 47% مردم به پای صندوقهای رای رفته بودند و از مجموعه آرای به صندوق ریخته شده و مردمی که انتخابات را بایکوت نموده 9% به حزب سوسیال مسیحی و اتحاد مسیحی و 8% به سوسیال دموکراتها رای دادند . مردم فرانسه از محافظه کاران فرانسه بیزارند و همه کرسی برای رد قانون اساسی اتحادیه اروپا، تمام نقشه های نابودی دولت رفاه را نقش بر آب کرد و تظاهرات 4 میلیونی مردم زحمتکش آن کشور که اعتصاب سرتاسری و یک جنبش توده ای کارگری تبدیل شد و شیراک مجبور گشت قوانین ارتجاعی را پس گیرد و بحران وسیعی اجتماعی رژیم سرمایه داری فرانسه در بر گرفته و فرانسه را به پای انقلاب سوسیالیستی کشانده است. حال که دیگر سرمایه راه نجاتی برای امیال غارتگرانه خود و دوشیدن توده کار و زحمت ندارد و آن در هنگامی است که هرروز بر در صد بیکاری توسط سرمایه داران انباشته می شود و قدرت خرید توده مردم که باید با چندر ایورو از پول کمک های اجتماعی زندگی کنند ، به پائین ترین در جه رسیده است و بسیاری از خانواده های کارگران و زحمتکشان قادر به پرداخت بدهی های بانکی خود نیستند. بحران حاصله در سرمایه داری احتیاج به نظم نظامی و کنترل آن توسط احزاب فاشیستی می باشد. آزاد گذاشتن احزاب فاشیستی در آمریکا ، ایتالیا، اطریش، آلمان و فرانسه خطری برای آزادی و صلح می باشد. در این میان حزب فاشیستی جبهه ملی در فرانسه ، حزب ناسیونالیست آلمان و انگلستان خطر های بزرگی می باشند که کارگران آمریکا ، اروپا و جهان را تهدید می کنند.

بورژوازی امپریالیستی ، ارتجاع سیاه اروپا، احزاب لیبرال، احزاب سوسیال دموکراسی ، سوسیال مسیحی، احزاب "چپ" فرمیستی و رویزیونیستی اروپایی و کمونیست اروپایی ، بارها تلاش نمودند که در پارلمان اتحادیه اروپا با تصویب قطعنامه بستری برای قدغن کردن احزاب کمونیست انقلابی فراهم آورند .

شعبه بازی واقعه 11 سپتامبر راه را برای ارتجاع سیاه آمریکا و بوش جنایتکار باز کرد، تا برنامه از پیش تنظیم شده حاکمیت مطلق امپریالیسم آمریکا در جهان پیاده شود و هر کشوری که برای آزادی ملی و اجتماعی خود مبارزه کند، با حمله و اشغال نظامی آن مبارزه در هم شکسته شود. در همان روزهای ماقبل 11 سپتامبر برنامه حمله نظامی به افغانستان تدوین و 8 اکتبر به اجرا درآمد.

رژیم تروریستی بوش، فاجعه و سیعی را در دوران مک کارتی با دستگیری وسیعی از رهبران جنبش کارگری آمریکا و کادرهای حزب کمونیست بود، تکرار کرد و در زیر فریاد های وحشیانه ناسیونالیسم و پرچم قرمز و آبی آمریکا هزاران افراد انقلابی، مهاجرین کشورهای عربی دستگیر و سربسته شدند. بیش از 13576 نفر در آمریکا توسط اف بی آی ربوده شده اند و علاوه بر آن عده بسیاری به کشور کانادا مهاجرت کردند.

بودجه کلان مخارج جنگ به جیب شرکتهای بزرگ اسلحه سازی و تولید هواپیما های نظامی، زیر دریایی و کشتی های هواپیما بر و لوژیستیکی پرداخت شد و واردات امپریالیسم آمریکا اجساد سربازان آمریکایی بود. دولت بوش بخش عظیمی از بودجه تعلیم و تربیت، بیمه سلامتی و بازنشستگی را کوتاه کرده و به بودجه نظامی افزود. بیگاری فزاینده، پایین آمدن حقوق کارگران و کارمندان، بالا رفتن هزینه زندگی و مسکن همه از تاثیرات جنگهایی است که دیک چنی، رامسفلد، لیبرمن، بوش و رایس از سال 2001 تا کنون شروع و ادامه می دهند.

توفان "کاترین" در "نیو اورله آن" نشان داد که اکثریت مردم آمریکا در فقر و بینوایی زندگی می کنند. فیلم های گزارش شده نشان می داد که مردم در کلبه های چوبی زندگی کرده و هیچ گونه امنیت و حفاظت در مقابل قهر طبیعت ندارند. مدت طولانی است که از آن واقعه اسفناک گذشته است، ولی پیامد آن هنوز پا برجاست و دولت بوش برای اجرای یک طرح عمرانی برای ساختن خانه برای آوارگان سرباز زد و مردم آن مناطق را به حال خود تنها گذاشت. این همان ناسیونالیست امپریالیست آمریکا است، که هزاران بار پرچم آمریکا از خون خلهای جهان آغشته شده و بر روی کشورهای ویران و اشغال شده برافراشته و توسط خلقها در سرتاسر جهان به آتش کشیده می شود. آن قرمز و آبی آن سمبل تبهکاری امپریالیست آمریکا و در داخل آمریکا ابزار ی برای تحمیل میلیونها کارگران و زحمتکشان آمریکا می باشد. اولی تنها جای واقعی برای تبلیغ پرچم آمریکا در متعفن ترین دیوارهای توالنت در محلهای توقف در اتوبان و یا روی کاغذ توالنت می باشد. در پشت ستایش از پرچم آمریکا نیتهای شوم فاشیستها برای کشتن و گرفتن جان و زندگی رنگین پوستان و مهاجرین دیگر می باشد. چهره متروک سرزمین آمریکا و رویای آمریکایی در فیلمهای مبتذل "هالی وود" رنگ زده می شود و "قهرمانان" پوشالی مانند رامبو ها به جنگ کمونیسم می روند و با عربده آزادی جهان در زیر یوق امپریالیسم آمریکا به بند و بردگی کشند، ولی جهان امروز بیدار تر از پیکانهای زهر آگین تبلیغاتی رسانه های مزدور است. تا هنگامی که این تبلیغات زهر آگین اثر می افتد، فرزندان بینوان و مهاجرین برای سیرکردن شکم خود و گرفتن کارت سبز و تبعیت آمریکا به ارتش آن کشور رفته و برای کشتار خلقها فرستاده می شوند. آنچه باز میگرد تابوت آنها که با همان پرچم ننگین پوشیده شده و صحبت از یک رویای آمریکایی بر باد رفته در عصر غروب امپریالیسم آمریکاست. همان فرزندان محروم مهاجر آمریکا چه در "نیو اوله آن" و

چه در نقاط دیگر آن کشور بهای خون خود را برای منافع اربابان امپریالیسم در عراق اشغال شده می پردازند.

تظاهرات وسیع و میلیونی مهاجرین در سرتاسر آمریکا به خاطر داشتن حق زندگی شهروندی و جلوگیری از زندانی نمودن و اخراج آنان ، نشان بحران اجتماعی و غروب یک امپراتوری فاشیستی - میلیتاریستی می باشد. ننگ نفرت و سرنگونی رژیم فاشیستی امپریالیستی آمریکا.

بحران نفت و رقابت برای دستیابی به مخازن انرژی فسیلی و هسته ای میان آمریکا و چین سخت در گرفته است. میان امپریالیستها بر خلاف آنکه وحدت زیادی برای مبارزه با شبه " تروریسم اسلامی " دیده می شود، بسیاری از کشورهای اروپایی، چین و فدراسیون روسیه در مقابل آمریکا صف کشیده اند و بدین گونه امپریالیسم پیر آمریکا با بحران اقتصادی حاصل از جنگ ، کمزش خم گریده و هواداران اجباری خود را در میان کشورهای جهان از دست می دهد و زمین بر زیر پای امپریالیسم آمریکا در کشورهای آمریکای لاتین می لرزد. در بسیاری از کشورها جنبشهای وسیع کارگری و خلقی رو به رشد نهاده و از ماهواره بودن برای آمریکا خارج می شوند. در بسیار از کشورهای اسلامی و کشورهای آفریقایی، آسیایی ، جنبش وسیع ضد امپریالیستی رشد یافته است. مبارزات خلق فلسطین با صهیونیستهای اسرائیلی بخاطر رژیم تروریستی و ضد خلق های عرب رشد بزرگی یافته و آمریکا بعد از سه سال در عراق با شکست نظامی و بحران سیاسی و اجتماعی روبرو و تمام عربده ها برای خاورمیانه دموکراتیک خفه گشته است. این غول پا گلی در مرداب خود ساخته در عراق فرو رفت.

در سال گذشته آغازی برای بازگشت جنبش کارگری و رشد آن در سرتاسر جهان بوده و احزاب کمونیست انقلابی رشد جهش واری را شروع نموده اند. تجربه حاصل از فقر و بینوایی که توسط گرپاچف این مزدور سازمان سیا با گشودن بازار ها بر روی کالا های کشورهای امپریالیستی، باعث از بین رفتن تولید صنعتی و کشاورزی و بیکاری، فقر، گرسنگی گردید و نشان داد که این بازار های جدید، برای انحصارات امپریالیستی، چیزی غیر از بینوایی و مهاجرت نیست. امروز که به پای صحبت مردم آلبانی می شینیم، خواهیم دید که چگونه از فقر و بینوایی می نالند و بعد از 15 سال کوچکترین تغییری برای بهبودی زندگی آنان انجام نیافت . مردم آلبانی خود میگویند : که در یک مدت کوتاه ضد انقلابیون، نمایندگان سازمان سیا و کا گ ب "بریشا" را بر سر قدرت نشانند و نیروهای مسلح شده به کارخانه ها ، بیمارستان ها، مدارس ، ساختمانهای اداری حمله نموده و همه را ویران کردند. و به مردم قول دادند که آمریکا همه تاسیسات از نو خواهد ساخت و کارخانه ها ی جدید ایجاد خواهد نمود و کشاورزی راه خواهد انداخت و نان برای همه تهیه خواهد شد.

دیروز کشور مدرن آلبانی که خودکفای خود بود و مردم مرفح ، سالم و کودکان شادی داشت. امروز به ویرانه ای تبدیل شده و نه از کمک های امپریالیسم آمریکا خبریست و نه مدرسه، نه کارخانه و نه ساختمانی ساخته شده است. آری با گشودن بازار کشورهای اروپای شرق و شوروی سابق ، بیش از نیم میلیارد انسان شغل و زندگی خود را از دست دادن. امروز مردم اروپای شرق از کابوس زیبایی سرمایه داری بیرون آمده و جنبش طبقه کارگر اروپای شرق رو به رشد نهاده است.

### رفقای کارگر

در ایران در سال کارگری گذشته که اول ماه مه آغاز آنست، همانند تمام کشورهای وابسته در کشورهای عقب نگهداشته شده که دارای رهبران فاسد ، فاشیست است، حکومت می کنند ، سرا پا دچا ربحران بوده و وضع کارگران زحمتکششان هر روزه بدتر می گردد. کشور ما دارای ثروت عظیم طبیعی مانند نفت و گاز بوده و در تملک طبقه انگلی ، مرتشد و مافیائی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی که به نام الیگارشی آخوندی معروف است، می باشد. میلیارد ها دلار از فروش نفت و گاز به

جیب دزدان سرگرد نه ولایت فقیه و باند حاکم ریخته شده و یک اقلیت کوچک این ثروت بزرگ را در انحصار خود گرفته است. خانه های ویلانی در کشورهای اروپا و آمریکا، شماره حساب های مخصوص در بانک های سویس نشان از بیکاری، گرسنگی، بینوایی، طبقه کارگر ایران است.

طبقه کارگر ایران اعتصابات کارگری پی در پی را تدارک می بیند. بستن راه ها و اتوبان ها، خراب کردن دیوار مجلس فرمایشی رژیم، کتک زدن کارفرما، شکستن در و پیکر فرماتداری ها، اعتراضات، تحصن شاهد روزانه آن می باشیم. طبقه کارگر در مرکز میدان مبارزات خلق ایران دست به نمایش قدرت زده است. در کنار مبارزات طبقه کارگر، مبارزات وسیع دهقانان، فرهنگیان، کارمندان، بازنشنگان موجود است و با هیچ ترفند و فریب مذهبی و قشری احمدی نژاد و با شعار "وحدت ملی" نمی توان آب بر آتش مبارزات آنان ریخت. اعتصابات و مبارزات کارگران شرکت اتوبوس واحد رانی نمونه است و مبارزات آنان درس بزرگی است. خاطره بزرگ تجمع کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی در سالن ورزشی آزادی را نمی توان فراموش کرد. مبارزات کارگران شیشه میرال و بستن جاده ساوه، اعتصاب کارگران شرکتهای نساجی و ریسندگی و بافندگی و طرح و توسعه کاشان، درگیری کارگران ایرفو با مزدوران شهرداری. اعتصاب گسترده کارگران استان قزوین در 25 تیرماه، اعتصابات در کاخانه شرکت ایران خودرو، اعتراضات کارگران پشم بافی آسیا در کرمان، مبارزه پیروز مند برای آزادی برهان دیوانگر، مبارزات کارگران کارخانه شاهی سندج، پیروزی کارگران لاستیک بارز برای پرداخت حقوق های عقب افتاده و غیره بیان گویا و زنده از رزم کارگران برای خواست های به حق خود بر علیه رژیم ضد کارگری و سرمایه داری جمهوری اسلامی می باشد.

## رفقای کارگر

روز 11 اردیبهشت، روز بر هم زدن تمام توطئه های رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی می باشد. و بار دیگر از طرف خانه کارگر که مرکز خیانت به حقوق کارگران است، تظاهرات فرمایشی از طرف این باند ها ترتیب داده شده است. ما باید تظاهرات مستقل خود را سازمان دهیم و کارگران را فرا خوان به تظاهرات مستقل داده و آنان را از رفتن به تظاهرات رژیم باز داریم. این وظیفه حساس ما در این روز می باشد. ورود شما در تظاهرات مستقل در تهران و شهرستان ها و مخصوصاً در کردستان، کار بزرگی را در همبستگی و اتحاد کارگران و بیداری آنان بازی خواهد نمود. در این روز میلیون ها کارگر متحد شما در جهان می باشند و در صف های منظم و فشرده، شانسه به شانسه به رژه خواهند پرداخت.

سایت ایرانی ما تمام کارگران و زحمتکشان، فرهنگیان، دانش آموزان و دانشجویان را در تمامی شهر های کردستان، تهران، قزوین، اصفهان، مشهد، شیراز و ... با شعار «گارگر، کارگر اتحاد، اتحاد»، «حکومت، حکومت سرنگون» و «سوسیالیسم آرمان کارگران و زحمتکشان» چون سیلی خروشان به خیابان ها سرازیر گردیم دعوت مینماید. و نوید آینده ایران آزاد با حکومت سوسیالیستی به مردم ایران می دهیم.

آرمان طبقه کارگر که جهان بینی مارکسیستی - لنینیستی و ایده پر ارج رفیق مانو سه تنگ می باشد. این جهان بینی در عصر آفتاب سر بام سیستم سرمایه داری، مشعل فروزان برای تمام کارگران، دهقانان و زحمتکشان جهان است.

هرچه خجسته تر باد روز اول ماه مه

زنده باد هم بستگی بین المللی کارگران بر علیه جهان سرمایه داری

هر چه گسترده تر باد وحدت و یکپارچگی خلقهای ایران بر علیه امپریالیسم آمریکا

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران

کمونیسم راه نجات بشریت از جنگ، تجاوز، خلق کشی و فاشیسم است

مرگ بر امپریالیسم آمریکا و متحدین امپریالیستی او در پیمان ناتو